

فاشیسم، اعدام و سرکوب از برکات جنگ برای رژیم اسلامی

صفحه ۳

سیاوش دانشور

تابوت اسلام سیاسی زیر پرچم ناسیونالیسم و رفرا ندوم موسوی

صفحه ۴

علی جوادی

نه به اعدام

شرکت در مراسم شنیع اعدام در ملاء عام شایسته مردم بوکان نبود

صفحه ۶

سعید یگانه

در بیست و پنجمین سالگرد یاد جانباختگان کمونیست شهر سلیمانیه

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

از میان اسناد مصوب حزب:

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (بخش سوم)

صفحه ۸

بیانیه دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دیپورت دسته جمعی مهاجران افغانستانی از ایران را متوقف کنید!

صفحه ۹

در صفحات دیگر

-اعلامیه دفتر بین المللی حزب حکمتیست در حمایت از اعتراضات سازمان

بیکاران شهر ناپل ایتالیا

-اطلاعیه مشترک شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست و سازمان

سوسیالیستهای کارگری افغانستان

-پیام کنفرانس سوم نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در رابطه با تداوم

نسل کشی اسرائیل در فلسطین- اخبار کارگری واجتماعی-دو پیام تسلیت

۸۱۱

مکتبی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۲۷ تیر ۱۴۰۴ - ۱۸ جولای ۲۰۲۵

از اسلامیت به ایرانیت، هر دو علیه انسانیت

رحمان حسین زاده

سخنرانی دو روز قبل خامنه ای، به دنبال جنگ ارتجاعی دوازده روزه و سه هفته بعد از مخفی شدن، سراپا وارونه گویی و سفسطه بازی آخوندی برای پرده پوشی ضعف و زبونی "نظام" در تقابل جنگی با تروریسم هوایی دولتهای آمریکا و اسرائیل بود. نکته قابل توجه اینست، وارونه گویی و شعبده بازی این بار، نه با لفاظی "اسلام و اسلامیت" بلکه یاری گرفتن از دیگر انبان چهل و خرافه به نام "ایران و ایرانیت" بود. در سخنان انباشته از دروغ "وحدت عظیم ملی" و پشتیبانی "ملت ایران" از "دولت و نظام" را عامل "پیروزی" معرفی کرد. موقتاً و مصلحتی "اسلام و اسلامیت" را به بایگانی سپرد. دست اندرکاران رژیم را به "حفظ وحدت عظیم ملی" فراخواند.

ضربات گپیچ کننده بررأس ماشین نظامی و دولتی رژیم، خامنه ای را وادار کرد برای توجیه شکستهای متحمل شده، به خرافه "ایران و ایرانیت" در واقع چهل ملی گرایی و ناسیونالیسم پناه بیاورد. میدانند، حنای "اسلام و اسلامیت" رنگ باخته است. این پدیده نشان میدهد، خرافه "ملت و ناسیونالیسم" بدتر از مذهب چه ظرفیت ارتجاعی و تحمیق گرانه دارد. بر این اساس تشدید سرکوب و اختناق و دستگیریهای وسیع و گسترش اعدامها را شاهد هستیم. همین روزها همدستی ضد انسانی رژیم هار اسلامی و ناسیونالیسم و فاشیسم ایرانی علیه شهروندان

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



از اسلامیت به ایرانیت، هر دو علیه انسانیت

رحمان حسین زاده



افغانستان را می بینیم. این وقایع باردیگر به ما میگوید "اسلامیت و مذهب و ایرانیت و ملیت" علیه انسانیت و ننگ بشریت هستند.

ملی گرایی و ناسیونالیسم به ویژه در یک قرن اخیر، بیشتر از کارکرد سیاه مذهب اهرم اتکای بورژوازی و قدرتها و دولتهای سرمایه داری برای تحمیل سلطه بر از رنج و درد و تبعیض کاپیتالیسم

برجوامع بوده است. با اتکاء به فرمول "منافع ملی و ملت" جنگهای ویرانگر از جمله دو جنگ جهانی اول و دوم و همه تقابلهای جنگی و تروریستی دنیای معاصر توجیه و تحمیل شده است. نمونه شنیع و دهشتناک در حال حاضر جاری، جنگ و تروریسم و نسل کشی ۲۲ ماهه اخیر در خاورمیانه است، که توسط فاشیسم حاکم بر اسرائیل با حمایت و شرکت مستقیم هیئت حاکمه و دولت آمریکا با ادعای "منافع ملی آمریکا و اسرائیل" خاورمیانه را به آتش کشیده اند.

جنگ دوازده روزه که بیش از هر چیز دود آن به چشم کارگر و مردم حق طلب رفت. به نحو انکارناپذیر علیه جنبشهای اجتماعی رادیکال موجود و جنبش سرنگونی انقلابی عمل کرد، موقتاً و شکننده متوقف شده است. لفاظی های "ملی گرایانه" خامنه ای و دیگر سران جنایتکار اسلامی و کل دستگاه دروغ پراکنی جمهوری اسلامی برای آماده سازی ذهنی سیاسی "ملت" برای مواجهه با دور دیگر جنگ تماماً علیه منافع عموم مردم است. آن هم در شرایطی که طرفین مقابل در این جنگ، دولتهای جنگ طلب آمریکا و اسرائیل به وضوح نقشه ادامه جنگ و تروریسم هوایی تا تحمیل کامل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" و دیگر اهداف ضد انسانی جهانی منطقه ای را نه تنها در ایران، در خاورمیانه در سردارند. دیدارهای دو جانبه هفته قبل ترامپ، نتانیاهو دو عنصر فاشیست رأس حکومت های آمریکا و اسرائیل نسل کش و ادعاها و اظهارنظرهای آنها این پدیده خطرناک را یادآور میشود.

هیجدهم ژوئیه ۲۰۲۵

صدای زندانیان سیاسی محکوم به اعدام باشیم

دوشنبه ۱۶ تیربیدادگاه انقلابی اسلامی ارومیه در دادگاههای فرمایشی، تیغ اعدام را بر گردن تعدادی از زندانیان سیاسی گرفته و پنج زندانی سیاسی از دستگیر شدگان خیزش انقلابی ۱۴۰۱ به نامهای پژمان سلطانی، رزگار بیگ زاده بابامیری، علی قاسمی، کاوه صالحی و تیغور بابامیری را مجموعاً به دوازده بار اعدام و سالها حبس محکوم کرد.

جمهوری جنایتکار اسلامی زیر فشاراعتراض و نارضایتی عموم مردم و در پی شکستهای پی در پی، بعداز جنگ ارتجاعی، برای ارباب جامعه، اختناق را تشدید کرده، دستگیری وسیع راه انداخته و برای زهرچشم گرفتن از مردم حکم اعدام صادر می کند.

علیه این فضا باید متحد و یکپارچه به میدان آمد. صدای زندانیان سیاسی در بند باشیم

نه به اعدام، مرگ بر جمهوری اسلامی

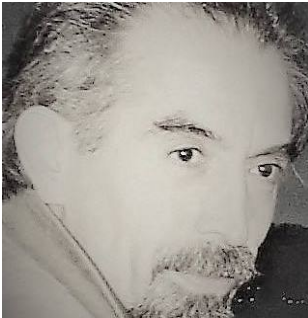


منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

مرگ بر جمهوری اسلامی!



جامعه بودیم و بر همیاری و همبستگی و وحدت طبقاتی در دوره جنگ تاکید کردیم. خوشبختانه برخورد جامعه، جنبش کارگری و فعالان جنبشهای اجتماعی کمابیش در کنار جنگ ارتجاعی قرار نگرفتند.

و امروز صحنه را نگاه کنید؛

عریان علیه

۱- افسار گسیختن پروژه پاکسازی قومی و یک نژادپرستی خشن و شهروندان افغانستانی و هم طبقه ای های ما. ناسیونالیسم و فضای ناسیونالیستی و "ایران ایران" توپخانه ای شد تا روی زمین این تعرض فاشیستی صورت بگیرد و بخشی از مردم ناآگاه و بعضاً آگاه اما فاشیست مسلک، علیه همسایه و "افغانستانی" بشورند، شعار دهند، متلک بگویند، خوشحالی کنند. اسکین هدهای فاشیست که اینبار با اسلام هم ممزوج شدند، همانها که علیه اسرائیل و آمریکا زیر پرچم ناسیونالیسم و ایران تحت رهبری خامنه ای بخط شده بودند، حالا در تهاجم جنایتکارانه به شهروندان افغانستانی ریشه میروند. متهم تنها جمهوری اسلامی نیست، صفی از مدافعان سیاست جمهوری اسلامی و شیپورکشان و توجیه کنندگان آن هم هست. سکوت در مقابل این روند زخمهائی را برجای میگذارد که یک به یک در سیر مبارزه اتی ما سر باز خواهند کرد. لطمات تفکر فاشیستی بر جنبش جاری در جامعه و صفوف مبارزه انقلابی را باید جدی گرفت.

۲- اعدام در بوکان در ملاء عام. نیان دخترک نازنین شش ساله را یادمان هست با چه توحشی کشته شد. صبح روز شنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۴ قاتل نیان را در شهر بوکان با حضور گسترده مردم در ملاء عام اعدام کردند. این هم عقبگرد وحشتناک دیگری است. رژیم که چوبه دار نیاز روزش است، سراغ این موضوع نمیرود که چرا نیان ها کودکی نمیکند و چرا در منگنه قشار فقر و مشکلات خانواده و ناامنی چنین سرنوشتی پیدا میکنند. دفاع از حقوق و امنیت و حریم کودک مشکل آنها نیست، اسلام پرچمدار تعرض به کودک است. مهم اینست که مردم بوکان بجای سرود انقلابی و کوبیدن بر وحدت مبارزاتی، شوونیست و ناموس پرست و تماشاچی اعدام شوند، سوت و کف بزنند و عدالت را در جمهوری اسلامی جستجو کنند! مهم اینست یک سونامی گل بیاید و کل مبارزات و دستاوردهای این مردم را زیر خود مدفون کند. مردم بوکان یکی از بدترین و دست راستی ترین اقدامات را تحت توجیه و پوشش نفرت و کینه برحق از مرگ کیان انجام دادند. آنها دستاورد چند دهه مبارزه انقلابی برای نفی اعدام بمثابه "قتل عمد دولتی" را بر باد دادند و براین قتل مهر تائید گذاشتند. اقدامی که دودش در چشم خود آنها خواهد رفت و به نیروهای امکان ابراز وجود میدهد که از همین جنس اند.

اعدام های مستمر، بازداشت های هزاران نفره، منزوی شدن اعتراضات و تحرکات اجتماعی، نامتعیین بودن وضعیت سیاسی و نوعی ناامنی مستمر، گرانی و تشدید فلاکت اقتصادی، تهدید زندانیان سیاسی از حداقل برکات منحوس ایندوره برای جامعه و مردمی است که امیدوارانه مبارزه و تلاش میکردند. جامعه ناچار است بعد از شوک اولیه خود را بازیابد و بر علیه اهداف ارتجاعی نیروهای درگیر، سیاست و خط مشی متمایز خود را دنبال کند.

۱۷ جولای ۲۰۲۵

فاشیسم، اعدام و سرکوب از برکات جنگ برای رژیم اسلامی

سیاوش دانشور

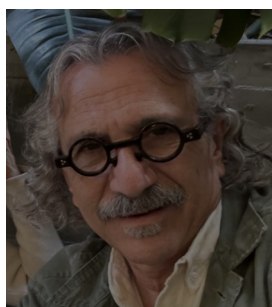
ما کمونیست ها گفتیم جنگ و حتی فضای جنگی و بلاتکلیف بودن اوضاع، فاکتوری منفی علیه شرایط سیاسی و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. گفتیم جنگ موقتاً حضور مردم از صحنه سیاسی را قیچی میکند و به فرق نظامی و میدانداری نیروهای آدمکش فرصت میدهد. در طرف مقابل اپوزیسیون بورژوائی و راست ایران که جنگ را دریچه قدرتیگیری تلقی میکرد و سر از پا نمی شناخت، حمله نظامی را بمثابه "فرصت طلایی" برای برخاستن و قیام مردم از تریبونهای غیر مسئول و راست پمپاژ میکرد. در این صف از سلطنت طلبان تا مجاهدین و ناسیونالیسم کرد و فدرالیست ها حضور داشتند. در حاشیه اینها ناسیونالیسم چپ و پوپولیست ها همین ادله را بعضاً شورتر تکرار میکردند و در یکسوی صفتبندی جنگ ارتجاعی ایستاده بودند.

در صف مقابل، در دفاع از رژیم اسلامی ناسیونال شوونیسم و پرچم "دفاع از میهن" خودنمایی میکرد. اگر ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی با زانده ارتش اسرائیل و آمریکا شدن پرچم هویتی "میهن" را بقول خودشان بنفع "اجنبی" بر زمین گذاشت؛ در عوض خامنه ای این پرچم را برافراشت و با آویزان شدن به ناسیونالیسم و ایران، تلاش کرد نیروی ناسیونالیسم را در کنار خود و دفاع از حاکمیت اسلامی علیه "امپریالیسم و صهیونیسم" بخط کند. در این صف نیز محور مقاومتی های رنگارنگ از خشکه مقدس تا انتلک دانشگاهی، چپی که ناسیونالیسم یک عنصر وجودی و دیدگاهی آنست، گرایش ناسیونال رفرمیسم سابقاً پروسوویت و امروز روسوفیل از توده ایسم و شبه لیبرالهای جمهوریخواه تا کهنه استالینیست های طرفدار "سرداران شهید ایران"، از مدافعان دواشته جمهوری اسلامی و "ایران" و "وطن" بودند.

جان کلام و استدلال این دو صف یکی بود: اولی ها میگفتند الان "فرصت طلایی" پیش آمده و سرنگونی مهم تر است و دومی ها میگفتند الان تجاوز به وطن شده و دفاع از ایران مهم تر است. توجیه جناح چپ اولی ها بر اصل اولویت "مبارزه با جمهوری اسلامی" بود و توجیه جناح چپ دومی ها بر اصل اولویت "مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم" بود. اولی ها مردم را سرزنش میکنند که چرا قیام نکردید، چرا ترک شهر کردید، چرا انتحار نکردید، چرا نیروی زمینی ارتش اسرائیل و آمریکا تشدید تا خاندان جلیل سلطنت برگردند؟ دومی ها و مشخصاً حاکمیت اسلامی با تعرض به مردم زحمتکش و بازداشت و شکنجه و اخراج میگوید چرا برای صف دشمن "جاسوسی" کردید؟ چرا از نظام و ایران دفاع نکردید؟ موتهلین شان به مخالفین جنگ میگویند "بی وطن"، "خان"، "نوکر صهیونیسم و امپریالیسم"، همانها که البته خامنه ای و باز جوها هم میگویند.

ما بعنوان نماینده کمونیسم کارگری گفتیم این جنگ ارتجاعی، واپسگرا، علیه روندهای انقلابی و مبارزاتی، عامل نامساعد در مبارزه برای سرنگونی و کاتالیزور تقویت نیروهای ضد جامعه است. ما بر شعار "قطع جنگ، بیدارنگ" بدلیل لطمات و پیامدهای منفی جنگ برسر گسترش مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی تاکید کردیم. ما سیاست کمونیسم کارگری و جنبش طبقه کارگر را بطور فشرده "سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و به شکست کشاندن دورنمای خونین و ارتجاعی نظم نوین خاورمیانه" تبیین کردیم. ما علیه جنگ طلبان، علیه هواداران یک جبهه جنگ، علیه سیاستها ارتجاعی و ضد

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



پروژه رفراندوم بگذریم، پرسش واقعی آن است که این نمایش قرار است توسط چه کسی اجرا شود؟ چه کسی سوالات را می‌نویسد؟ چه کسی گزینه‌ها را تعیین می‌کند؟ چه نهادی اسامی رای دهندگان را تنظیم خواهد کرد؟ شورای نگهبان؟ وزارت کشور؟ سپاه پاسداران؟ و چه کسی آراء را خواهد شمرد؟ همان دستگاهی که نتایج انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را پیش نویسی کرد و می‌کند؟ و اگر - در

اوج خیال پردازی - مردم رای دادند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند، سپس چه خواهد شد؟ آیا رژیم، کل بساطش را جمع می‌کند و با لیخنه، صحنه قدرت را ترک می‌کند و کلید زندانها را تحویل مردم می‌دهد؟ حکم آزادی و برابری زن و مرد ابلاغ میشود؟ دستگاه‌های سرکوب و امنیتی برچیده و ملغی میشوند؟ بسیج و سپاه و کل دستگاه نظامی و امنیتی رژیم اسلامی ملغی میشود؟ و اوباش اسلامی با سلام و صلوات با همه جنایت‌ها، همه اعدام‌ها، همه دزدی‌ها، همه تجاوزها و سرکوب‌ها به گوشه‌ای می‌روند تا دوران پایانی عمر سپاه خود را سپری کنند؟ به همین سادگی؟ به همین پوچی؟

این سناریو، نه فقط غیر واقعی، بلکه توهین آمیز است: توهین به عقل، به حافظه تاریخی مردم، به شعور کسانی که در خیابان‌ها جان باختند، به زخم زندانیان و مادران داغدار و تمامی کسانی که در آرزوی سرنگونی رژیم اسلام و سرمایه روز شماری می‌کنند. این پروژه همان اندازه مضحک است که از آدم ربایی بخواهی خودش برگه آزادی گروگانش را خود امضا کند، با حضور خودش، زیر نظر خودش، در بازداشتگاه خودش.

نام این نه "رفراندوم"، که شعبده بازی برای شستن چهره جنایت و تلاشی مذبحخانه برای بقاء آن است. همان گونه که در ۱۳۵۸ پرسیده شد: آیا جمهوری اسلامی را می‌خواهید؟ و تنها پاسخ "آری" امکان حیات یافت، "نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر". امروز نیز "رفراندوم" بدون قدرت سازمان یافته توده‌ها، بدون لغو کامل سرکوب، و بدون قلع و قمع ساختار ولایت، بدون در هم شکستن دستگاه حاکم چیزی نیست جز تجدید قرارداد اسارت و بردگی.

و تازه اگر فرض کنیم - فقط برای لحظه‌ای - که رژیم اسلامی در لحظه بحران وارد چنین فرآیند بی سابقه‌ای شد، آیا واقعا کسی گمان می‌برد که مردم، این مردم، پس از تمام آن چه دیده‌اند و بر آنها رفته است، به این بازی تن می‌دهند؟ آیا این جماعت تصور می‌کنند این مردم زخم خورده در آبان ۹۸ و در خیزش ۱۴۰۱... به این مردم میشود امید به صندوق رای خود رژیم برای خلاصی از رژیم اسلامی را فروخت؟ یا برعکس، همین "پروژه رفراندوم"، آخرین جرقه خواهد بود برای برهم زدن کل بساط دستگاه حاکم؟

آری، اگر این نظام واقعاً بخواهد صندوق رای را به خیابان بیاورد، این مردم آن را به میدان حساب کشی تبدیل خواهند کرد. نه با رای، بلکه با خیزش و قیام. نه برای اصلاح، بلکه برای تمام کردن کار و نقطه پایانی بر این تاریخ سیاه گذاشتن بر کلیت رژیم و تلاشهای کودکانه برای اصلاح آن.

و در واقعیت: جمهوری اسلامی، در آن لحظه فروپاشی، نه در پی باز کردن درهای قلعه برای بازگشت اصلاح طلبان حکومتی است، و نه به دنبال "آشتی ملی" با چهره‌های سوخته‌ای چون موسوی یا خاتمی و با جریانات حاشیه‌ای تری مانند جبهه ملی و ... این فقط تصور پوچ و آرزوی خام این جریان شکست خورده است. آن پروژه، هم از نظر مردم و هم از نظر خود رژیم، شکست خورده و یا دیگر هیچ ارزش مصرفی ندارد. امروز، حاکمیت به دنبال رنگ زدن به

تابوت اسلام سیاسی زیر پرچم ناسیونالیسم و رفراندوم موسوی

علی جوادی

رژیمی که نفس‌های آخرش را می‌کشد، به همه چیز چنگ می‌زند، جز حقیقت. جمهوری اسلامی، پس از دهه‌ها سرکوب، جنگ افروزی، تبعیض و ویرانی، فقر و فلاکت و نابرابری اکنون در لحظه‌ای ایستاده است که هیچ چیز ندارد. آن چه باقی مانده، تنها حاکمیتی است که با بحران درونی و انزجار عمومی دست و پنجه نرم می‌کند. در این واپسین لحظات، نظام به ناسیونالیسم پناه برده: شعائر ناسیونالیستی را جایگزین پرچم سپاه کرده، سرود "ای ایران" را جایگزین "سلام فرمانده"، و "وحدت ملی" را جای "وحدت امت اسلامی" نشانده. و این نه دگرپسویی ایدئولوژیک است، نه نشانه اصلاح، بلکه نشانه واپسین تلاش برای رنگ آمیزی تابوتی است که دیرزمانی است آماده دفن است. انگار می‌خواهند جنازه حکومت اسلامی را با پرچم "وطن" بپوشانند.

اما هم زمان، از بیرون ساختار رسمی، پروژه‌های دیگر سر برآورده است، اما مرده: بیانیه‌ای از حصر خانگی. میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق همین رژیم در دهه خونین شصت، در لحظه بحرانی، پس از جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل و آمریکا، سکوت طولانی‌اش را شکست و از "رفراندوم"، "مجلس مؤسسان" و "حق تعیین سرنوشت" سخن گفت. این پروژه پاسخی است به بحران حکومتی و فلج و بن بست سیاسی - اقتصادی رژیم، نه از پایین، بلکه از بالا؛ نه به منظور به زیر کشیدن رژیم اسلامی، بلکه برای بازسازی‌اش با زبانی دیگر، باز سازی و بازگشت به "دوران طلایی خمینی"!

اما آنچه بار دیگر باید در نهایت شفافیت گفته شود این است که پروژه اصلاح رژیم اسلامی، در هر شکل و با هر چهره‌ای و از هر گوشه‌ای، نه تنها شکست خورده، بلکه همواره بخشی از دستگاه تداوم سرکوب اسلامی و استثمار سرمایه بوده است. اصلاح طلبی، چه درون بیت قدرت، چه در حصر خانگی، چه در لباس جنبش ملی - اسلامی، همگی یک هدف مشترک داشته‌اند: نجات نظام در لحظه بحران، با حداقل اصلاحات ظاهری، و تماماً حکومتی. این پروژه هیچ گاه و در هیچ دوره‌ای خواستار کوتاه کردن دست مذهب از دولت و جامعه، لغو آپارتاید مذهبی، لغو بردگی جنسی زن، یا نابودی دستگاه سرکوب نبوده است. آن‌ها با رای، قانون، انتخابات و حتی با شعار "حق تعیین سرنوشت"، تنها کوشیده‌اند همان نظم اسلامی را در لباسی جدید "مردم سالاری دینی"، "ملی"، "مدنی"، "قانونی" یا "آشتی ملی" بازسازی کنند.

این اصلاح طلبی نه اپوزیسیون است و نه نیروی گذار؛ یک پدیده حکومتی است. یک ستون فرعی نظام اسلامی است که در لحظه فروپاشی، کار ویژه‌اش بازسازی اعتماد، انحراف انرژی انقلابی توده مردم بپاخاسته، و رنگ زدن به ساز و کارهای پوسیده قدرت سیاسی حاکم است. بیانیه‌ای که از دل حصر صادر می‌شود، اگر علیه کل رژیم و ساختار آن نباشد، بدون تردید بخشی از همین کارکرد است، حتی اگر در ظاهر زبان "عدالت" و "رای مردم" به خود بگیرد.

پرسش ساده است: این رفراندوم برای چیست؟ چه چیز را قرار است به رای بگذارند؟ مردم در خیابان‌ها فریاد زدند: "نه شاه می‌خواهیم نه رهبر"، "مرگ بر دیکتاتور"، "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر". آن‌ها از کلیت حاکمیت اسلامی موجود عبور کرده‌اند. اما پروژه‌هایی چون پیشنهاد موسوی، با تمام زبان "صلح طلبانه‌اش"، راهی برای حفظ و بقای همان نظم است؛ نظمی که مردم با گوشت و استخوان، با زندان و اعدام، از آن عبور کرده‌اند.

اما حتی اگر با خوش باوری کودکانه‌ای از مسئله مشروعیت سیاسی

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

تابوت اسلام سیاسی زیر پرچم ناسیونالیسم و رفراوند موسوی

در کنار ارتش اسرائیل صف کشیدند؛ شعار دادند: "بی بی، بزن بزن". این جا دیگر حتی ادعای "نجات مردم" هم فرو ریخت. آن چه از پشت نقاب بیرون افتاد، نه یک اپوزیسیون، بلکه جماعتی سوخته بود؛ سوخته در آتش جنگ، سوخته در آتش نفرت از مردمی که ضد جنگ هستند، سوخته در اشتیاق به تاجی که تنها بر سر ویرانه‌ها می‌نشیند. سوخته‌اند، و مردم این را هرگز فراموش نخواهند کرد.

و در برابر این سناریوهای سیاه، تنها یک سناریوی سفید، تنها یک انتخاب واقعی ایستاده است: سوسیالیسم، آزادی، و سازمان یابی از پایین، یک انقلاب اجتماعی. نه از بالا، نه با قانون اساسی جدید، نه با رفراوند زیر چتر سرنیزه، بلکه از دل زندگی؛ از کارخانه و محله و خیابان و مدرسه. از میان صفوف اعتصاب کارگران، از تجمع و اعتراضات معلمان، از اعتراض رانندگان و بازنشستگان، از اعتراض هر روزه و خیزش زنان و دانشجویان، از تلاش‌های روزمره برای بقا و کرامت انسانی.

و این راه، از قدرت‌گیری شوراهای و تحزب‌کاری می‌گذرد؛ شوراهایی که نه صرفاً نهاد برای تغییرات کمی و مادی هر روزه در زندگی، بلکه هسته‌های اولیه قدرت اجتماعی نوین‌اند. از بازسازی پیوندهای همبستگی طبقاتی، از پیوند اعتراضات پراکنده به یکدیگر، از شکل‌گیری تشکلهای محیط کار و زندگی، مجامع عمومی، و شبکه‌های مقاومت محلی. از برافراشته شدن پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر در راس جنبش‌های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی. پرچم یک دنیای بهتر.

در این مسیر، هر اعتراض به گرانی، هر اعتصاب برای دستمزد، هر طغیان علیه تبعیض جنسیتی، هر تجمع علیه فقر و فلاکت و حقوق‌های زیر خط فقر، باید به خاکریزی برای ساختن این نظم نوین بدل شود. نظامی که نه بر تاج، که بر برابری، رفاه، آزادی و شوراهای مردمی استوار باشد.

اکنون نه زمان تفسیر تاریخ، که لحظه ساختن آن است. فعالین رادیکال و سوسیالیست و آزادیخواه باید سازمان دهند، متحد کنند، آگاه کنند، به میدان ببرند. باید صفی شکل گیرد که نه برای بازسازی نظم کهنه، بلکه برای ساختن جهانی نو، بر بنیاد آزادی، برابری، رفاه و کرامت انسانی برخیزد. و این بار، تاریخ را نه طبقات حاکم، بلکه مردم خواهند نوشت. با سازمان، با آگاهی، با آرمان‌رهای، با یک انقلاب عظیم اجتماعی.

17 جولای 2025

دست رژیم اسلامی و فاشیسم ایرانی از مهاجر افغانستانی کوتاه!

اخراج و تحقیر مهاجرین حمله به کرامت انسان است. حمله به کارگر، به زحمت کش و به نان آور بی صداست. سکوت در برابر این خشونت، همدستی است.

ما مخالفیم با:

- * اخراج اجباری
- * حذف کودکان از مدرسه
- * تبعیض نژادی
- * نادیده گرفتن انسانها به خاطر محل تولدشان

دفاع از مهاجر، دفاع از خود ماست.

زیرا مرز کرامت نمی‌آورد.

زیرا انسان تابعیت ندارد.

روایت کنیم، افشا کنیم، پیوند بسازیم.

یاری کنیم، به هر طریق ممکن.

#نه به اخراج

#نه به فاشیسم ایرانی

#تبعیض بس است

#همبستگی نوعدوستی

#جای کودک در مدرسه است

#انسان انسان است

علیه نفرت قومی و ملی و مذهبی برای آزادی و اختیار انسانها!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۲ تیر ۱۴۰۴ - ۱۳ جولای ۲۰۲۵

نظام است، نه گشودن ساختار آن؛ به دنبال سازش با لایه‌هایی از توده اجتماعی ناسیونالیسم کپک زده ایرانی که حاضرند زیر بیرق "وحدت ملی" و "ایران ایران" ولی فقیه، برای نجات ایران اسلامی یقه بندند و به لشکر افغانستانی سنیزی فاشیستی تبدیل شوند. اما مردم، مردم سرنگونی طلب و آزادیخواه، به خوبی می‌دانند که نقطه طلایی سازش میان خود و رژیم اسلامی وجود ندارد؛ رژیم نه اصلاح پذیر است و نه اصلاح رژیم اسلامی پدیده دلچسپی، بلکه باید تمام قد سرنگون شود. از همین رو، هر عقب نشینی، هر بحران، و هر ترفند مشروعیت سازی، برای مردم نه لحظه آشتی، بلکه فرصت حمله است؛ فرصتی برای دریدن پرده فریب و به پایان رساندن آنچه مدت‌هاست آغاز شده: تلاش برای سرنگون رژیم اسلامی و جایگزینی آن با رژیمی متضمن آزادی، برابری، رفاه همگان، یک رژیم سکولار، مدرن و انسانی، و یک جمهوری سوسیالیستی از نقطه نظر ما!

و مساله این است که در راه پیش روی، هیچ راه دیگری باقی نمانده است. جمهوری اسلامی، درست همانند دولت اسرائیل، آماده است جامعه را بر سر مردمش خراب کند، اگر بقای قدرتش به آن وابسته باشد. اینان دولت متعارف سرمایه نیستند، دار و دسته ای جنایتکارند، ماشین تاراج‌اند. بقای خود را مدیون دستگاه سرکوب، تحمیل، تولید جهل و خرافه و تحمیل فقر و فلاکت گسترده بر مردم‌اند. همان گونه که دولت اسرائیل برای حفظ سلطه‌اش در جنگ، آوار را بر سر مردم غزه فرو ریخت، حکومت اسلامی نیز آماده است هر خیابان را به قتلگاه بدل کند تا بیت رهبری پا برجا بماند. این یکی از نقاط اشتراک این دو رژیم در جنگ است: آمادگی مطلق برای نابودی جامعه، به شرط بقای سلطه.

و از سوی دیگر، اپوزیسیون راست و سلطنت طلب، که به ارتش و بمب ماشین گشتار اسرائیل دخیل بسته، نشان داد که راه رسیدن به آزادی تاج، از روی جنازه مردم می‌گذرد. اینان خواستاران بازسازی همان ماشین سرکوب شاهنشاهی در ادغام با ماشین سرکوب رژیم اسلامی‌اند، مگر وارث تاج شان نمی‌گفت که همین بسیج، همین سپاهی، همین ارتش حافظ امنیت فردا خواهد بود. امروز، وقتی در رسانه‌هایشان با افتخار از ساواک می‌گویند، وقتی سر شکنجه گران پیشین را تظہیر می‌کنند و چوبه‌های دار پیش را دستاورد "امنیت" می‌نامند، شعار "مرگ بر این و آن..." هر روزه و در هر تجمعی ورد زبان‌شان است، روشن است که در رویایشان جایی برای آزادی و برابری و رفاه مردم نیست، فقط کابوس دیگری است.

آن‌ها، در حقیقت، برادران خونی پاسداران و بسیجیان‌اند؛ نه از جهت لباس، که از جهت فلسفه قدرت و کارکرد. همان طور که رژیم اسلامی، برای حفظ نظم موجود، به سپاه، اطلاعات، و دادگاه‌های انقلاب متکی است، سلطنت طلبان نیز در خیال بازگشت شان، به ساواک، ارتش شاهنشاهی، و دستگاه‌های امنیتی هر دو رژیم وابسته‌اند. اگر آن‌ها روزی به قدرت برسند، نام‌ها ممکن است عوض شود، اما زندان‌ها، شکنجه گاه‌ها، و سیستم سرکوب باقی خواهند ماند. این پروژه نه تنها در تضاد مطلق با خواست مردم برای آزادی، رفاه و کرامت انسانی است، بلکه تنها از مسیر سرکوب خونین همین مردم می‌تواند به تاج و تخت برسد.

و بالاخره، در همان لحظه‌ای که مردم در ایران زیر سایه جنگ اسرائیل و جمهوری اسلامی، در تلاش برای بقا بودند، سلطنت طلبان

برابری بی‌قید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

نه به اعدام

شرکت در مراسم شنیع اعدام در ملاء عام

شایسته مردم

سعید یگانه



کرده است. این را مردم بوکان و همه مردمی که از دست این رژیم به تنگ آمده اند می دانند و باید علیه این جنایات. صف محکمی از اعتراض را سازمان داد.

در شرایطی که جنبشی علیه اعدام و حذف انسان ها توسط زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی؛ در "سه شنبه های نه به اعدام" بر دوام ادامه دارد و مورد استقبال قرار گرفته، شرکت مردم

بوکان در این مراسم دهن کجی به این مردم و آزادیخواهان مخالف اعدام است.

دوما ما در شرایط آتش بس بعد جنگ و ناپایدار قرار داریم. جمهوری اسلامی زخم خورده است. در این جنگ و قبل از آن رژیم اسلامی ضربات سنگینی خورده است و مهمتر آنکه اکثریت مردم کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان با این رژیم سر جنگ دارند. چندین خیزش انقلابی برای سرنگونی آن در سالهای گذشته رقم خورد. جمهوری اسلامی از مردم خون دل دارد و در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با نهایت وحشیگری جوانان معترض را کشت، دستگیر و اعدام کرد و مردم معترض شهر بوکان نیز از این جنایت بی نصیب نبودند.

اعدام دوباره در ملاء عام، اعدام به بهانه جاسوسی برای اسرائیل، دستگیری های وسیع در همه شهرها از جمله در کردستان، کنترل ورودی و خروجی شهرها توسط اوباشان اسلامی همه و همه با قصد ارعاب، و به سکوت کشاندن مردم است. جمهوری اسلامی شکست زیادی خورده است، بحران های تو در تو اقتصادی و سیاسی آن را محاصره کرده است و انتقامش را از مردم می گیرد.

ما در شرایط سخت و پیچیده ای قرار داریم. جمهوری اسلامی برای بقای خود دست به هر جنایتی خواهد زد. جمهوری اسلامی سرمایه برای بقای خودش حاضر به مصالحه با دشمنان خود از جمله اسرائیل و آمریکا هست، اما در مقابل شما مردم از ادیخواه، مبارز و خواهان سرنگونی، در مقابل کارگران و زنان کوتاه نمی آید و حاضر به عقب نشینی نیست، مگر با زور مبارزه و قهر. جمهوری اسلامی با استفاده از فضای جنگی، و تبلیغات ملی گرایانه و ناسیونالیستی با تشدید اختلاف و دستگیری و اعدام قصد دارد مردم را به عقب نشینی و دست شستن از مبارزه تحت فشار قرار دهد. در همین شرایط رژیم فاشیستی اسلامی در نهایت وحشیگری و تبلیغات ناسیونالیستی و نژاد پرستانه هزاران پناهجو و مهاجر افغانستانی را به شیوه ای وحشیانه اخراج و مردم را علیه آنان برای اجرای این سیاست مهاجر ستیزی تحریک می کنند. مردم بوکان از این واقعه باید درس بگیرند و آلت دست سیاستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی نشوند.

جمهوری اسلامی عامل فقر، فلاکت، اختلاف و ضد خوشبختی و امنیت و آسایش مردم است. برای پایان دادن به اعدام و همه ستم و نابرابری که بیشتر از چهار دهه جمهوری سرمایه داری اسلامی به مردم تحمیل کرده، راهی جز سرنگونی و جارو کردن رژیم اسلامی به دست خود مردم در مقابل جامعه قرار ندارد. باید هوشیارانه این شرایط را دریافت و با کمترین تلفات این دوره را سپری کرد..

۱۸ جولای ۲۰۲۵



در شرایطی که رژیم سرمایه داری اسلامی در نهایت درماندگی و ورشکستگی اقتصادی و سیاسی با هدف ارعاب و سرکوب مردم، دستگیری فعالین و احکام شنیع اعدام در بیدارگاهها را تشدید کرده و اجرا می کند، شرکت مردم بوکان در مراسم شنیع اعدام در ملاء عام در این شهر رفتاری زشت و خدمت به جمهوری جنایتکار اسلامی بود.

سحرگاه روز ۲۱ تیر جوانی ۲۰ ساله به اسم ایلیا خلیفه زاده اهل شهر سقز به دلیل تجاوز و قتل دختر بچه ای به اسم نیان در شهر بوکان در ملا عام به دار آویخته شد. تعداد زیادی از مردم شهر بوکان با هلهله و شادی در این مراسم شنیع اسلامی شرکت کردند.

اینکه این جوان متجاوز و قاتل باید مجازات میشد، شکی در آن نیست و اینکه مردم بوکان به حق از این جنایت و کشتن دختر بچه ای ۶ ساله در این شهر عصبانی و خون دل خورند قابل درک است. اما شرکت مردم در چنین مراسم شنیعی آنها در شهری که سه سال قبل در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ سرکوبگران جمهوری اسلامی در خیابانها خون به پا کردند، دهها جوان معترض را کشته و زخمی و دستگیر و هم اکنون ۵ نفر از این دستگیر شدگان در زندان ارومیه زیر تیغ اعدام هستند، شأن این مردم نبود و به همین دلیل مورد اعتراض ما آزادیخواهان هستند.

جمهوری اسلامی این بار به بهانه دفاع از دختر بچه قربانی تجاوز، نیان، با برپایی این مراسم شنیع و غیر انسانی و با ترغیب و پروپاگاند اسلامی و سوء استفاده از احساسات انسانی مردم بوکان تعداد زیادی را شریک خود در این مناسک اسلامی کرد.

شرکت مردم بوکان در این مراسم شنیع آگاهانه و یا ناآگاهانه عقب نشینی به مردمی است که سه سال قبل در خیزش انقلابی مهسا در سال ۱۴۰۱ همزمان با سایر شهرهای کردستان علیه اختلاف و سرکوبگری جمهوری اسلامی علیه فقر و فلاکت و برای آزادی و رفاه به میدان آمدند و خوب درخشیدند و تعدادی از جوانان این شهر در خیابانها جان باختند. شرکت کنندگان در این مراسم شنیع و غیر انسانی به جمهوری جنایت اسلامی خدمت کردند و این شرم آور بود و باید مورد نقد و اعتراض قرار بگیرند. مهم نیست رژیم چه ترفندی برای کشیدن مردم پای این مراسم شنیع و غیر انسانی توسط مزدوران رژیم در این شهر از جمله قسیم عثمانی نماینده طویله اسلامی داشت، مهم این است که مردم نمی بایستی به بهانه دفاع از کودک به تله جمهوری اسلامی می افتادند.

اعدام عملی شنیع و غیر انسانی است و هیچ انسانی به هر دلیلی نباید اعدام و باید مجازات شوند، و آنها نه توسط جمهوری اسلامی ضد کودک و ضد بشر، که خود به جرم جنایت علیه بشریت در جایگاه متهم به قتل و جنایت قرار دارد. همه ما می دانیم که اعدام ابزار دست حاکمیت برای زهر چشم گرفتن از مردم و اعمال حاکمیت و بقای خود است. جمهوری اسلامی تا کنون با همین هدف هزاران زندانی سیاسی را اعدام و هم اکنون تعداد زیادی از زندانیان سیاسی از جمله زندانی سیاسی از شهر بوکان در زندان ارومیه زیر تیغ اعدام قرار دارند. هزاران زندانی را به اتهام مواد مخدر و قتل و جنایت اعدام

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



نظامی اتحادیه میهنی متحمل شدند. اما مثل همیشه محاسباتشان غلط بود، با سرکوب و تعرض نظامی نمیتوان حق طلبی و آزادیخواهی و برابری طلبی، تلاش برای تغییر و تامین زندگی شایسته انسان را در جامعه جارو کرد. جنبش کمونیسم کارگری و احزاب کمونیستی و کارگری کماکان در جامعه عراق و کردستان در تلاشند تا صدای اعتراض کارگران و زنان و مردان آزادیخواه را نمایندگی کنند. در بیست و پنجمین سالگرد جانباختن رفقای عزیزمان، به یاد پاک کمونیستهایی که در دفاع از محرومین و حق طلبی، و برای آزادی و برابری و کمونیسم در خیابانهای سلیمانیه به خون کشیده شدند، درود میفرستم.



در بیست و پنجمین سالگرد یاد جانباختگان کمونیست شهر سلیمانیه

رحمان حسین زاده

بیست و پنج سال قبل در ۱۴-۷-۲۰۰۰ پنج انسان رزمنده و کمونیست که زندگی خود را وقف مبارزه برای رهایی محرومان و آزادی و برابری انسانها کردند. مستقیماً درگیر مبارزه برای تامین رفاه و سعادت و خوشبختی در جامعه کردستان عراق بودند، پنج کادر احزاب کمونیست کارگری در عراق و ایران، رفقا-عبدالباسط محسن (شیخ عبدل)- محمد مصطفی (کریم)- ابراهیم محمد (هاوکار) - هاوری لطیف - امید نیک بین در نبردی نابرابر و در اقدامی جنایتکارانه توسط نیروی مسلح اتحادیه میهنی جان خود را از دست دادند. این جنایت از آن موقع تاکنون گریبان رهنبری اتحادیه میهنی و سازماندانندگان آن را گرفته است. صف آزادیخواه و برابری طلب جامعه کردستان، ما کمونیستها، حزب حکمتیست و احزاب کمونیست کارگری کردستان و عراق این جنایت را فراموش نمی کنیم. پروسه قضایی و دادگاهی کردن مجرمین این واقعه با کارشکنی های اداری معلق مانده است، اگر چه نوشیروان مصطفای جنایتکار دستوردهنده مستقیم این جنایت مرده است، اما رهنبری اتحادیه میهنی به عنوان آمرین این جنایت دیر یا زود باید پاسخگوی اعمال خود باشند و نمیتوانند گریبان خود را از این جنایت خلاص کنند.

چرا رفقای ما را کشتند؟

برای جواب به این سؤال تحلیل و حدس و گمان و موشکافی پیچیده لازم نیست. کافی است "ادعاینامه" به اصطلاح "دادستانی" وقت اتحادیه میهنی، جناب نظر علی اکبر رادر اوایل سال ۲۰۰۰ یعنی چند ماه قبل از هجوم نظامی اتحادیه میهنی به مقرها و دفاتر وقت حزب کمونیست کارگری عراق بیاد بیاوریم. در آن ادعاینامه کذابی بیشرمانه و بی ابهام نوشته بودند، جرم حزب کمونیست کارگری عراق و کوشندگان کمونیسم کارگری اینست که "برابری زن و مرد را تبلیغ میکنند، که از زنان در مقابل اسلامیه و جریانات عشیرتی و مردسالاری حمایت میکنند، در مقابل جریانات اسلامی ایستاده اند، که خواهان اعلام استقلال کردستان عراق و پایان بیحقوقی و بی هویتی و بی آیندگی جامعه کردستان هستند". و خلاصه کلام جرم کمونیستها و پنج رفیق جانباخته ما این بود، که کارگران، زنان و جوانان و مردم کردستان را شایسته زندگی بهرتر و تعیین مقدرات خود به دست خود و حاکمیت متکی به اراده کارگران و مردم میدانستند. اساس ناسازگاری و سپس حمله مسلحانه اتحادیه میهنی به کمونیستها و صف آزادیخواهی در همین واقعیت نهفته بود و هست. به علاوه در لحظاتی قبل از این جنایت، نوشیروان مصطفی نفر دوم وقت اتحادیه میهنی صریح و سراسر در دیدار با هیئت مذاکره کننده آن وقت حزب کمونیست کارگری عراق به سرپرستی عثمان حاجی مارف اعلام کرد، زیر فشار جمهوری اسلامی مجبور به فشار و تعرض علیه کمونیستها هستند. ناگفته نماند به عنوان پاداش انجام این جنایت چند روز بعد یکی از مقامات جمهوری اسلامی مراتب قدردانی دولتش را نثار رهنبری اتحادیه میهنی کرد.

۲۵ سال از این واقعه گذشته است. جنبش کارگری و کمونیستی و صف آزادیخواهی و برابری طلبی و احزاب کمونیست کارگری در عراق و کردستان ضربات و لطامات جدی را در نتیجه این تعرض

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲

پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰

رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹

ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست کوری-پرتو

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

اعدام قتل عمد دولتی است!

از میان اسناد مصوب حزب:

بیانیه کنگره یازدهم حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست (بخش سوم)

۶- خاورمیانه "نوین"، خاورمیانه خونین

اوج گیری تروریسم و جنگ بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در اسرائیل و فلسطین و به دنبال آن نسل کشی حکومت فاشیستی اسرائیل در غزه نمدی از آشفتگی و توحش در جهان امروز بود. در صد ساله اخیر خاورمیانه همواره یکی از کانونهای بحرانی تشدید استثمار و ستم و اشغالگری و جنگ و کشتار به ویژه علیه مردم فلسطین بوده است. این شرایط دردناک در خاورمیانه خود محصول دو پدیده زشت ضد انسانی است. الف: ستم و اشغالگری و نسل کشی علیه مردم فلسطین ب: شکاف عمیق فقر و ثروت در منطقه، یعنی از یک سو محرومیت اکثریت عظیم مردم این منطقه از ابتدایی ترین حقوق معیشتی، اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر، انباشته شدن ثروتهای افسانه ای در دست اقلیت مرتجع حاکمان مستبد و دولتهای فاسد. اینها هر دو محصول سيطرة سرمایه داری و دخالتها و رقابتهای قدرتهای امپریالیستی در این منطقه است. نسل کشی مردم فلسطین و سرباز زدن از برسمیت شناسی حقوق اولیه این مردم در قالب تشکیل دولت مستقل فلسطینی حتی طبق قرارداد "اسلوی منعقد شده در سال ۱۹۹۳ میلادی" بین طرفین، اکنون پلاتفرم عملی هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل است. بربرستار این کشمکش دیرینه و لاینحل ماندن حقوق حقه مردم فلسطین، در مقابل تروریسم دولتی اسرائیل - آمریکا، تروریسم اسلامی همانند حماس و جهاد در فلسطین میداندار شدند. اقدامات تروریستی آنها با حمایت جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در مسیر حل مسئله فلسطین نبوده، بلکه در ضدیت با منافع مردم رنج کشیده فلسطین و عملاً بن بست بیشتری را به حل مسئله فلسطین تحمیل کرده است. با دست بالا پیداکردن راست افراطی مذهبی - قومی اسرائیل در دوره شارون و سپس نتانیاهو و همزمان میداندار شدن گروههای تروریستی در غزه (حماس و جهاد اسلامی) پروسه اجرایی کردن قرارداد "اسلوی" و تشکیل دولت فلسطینی عملاً نقش بر آب شد. این وضعیت به تداوم اشغالگری و کشتار و بن بست طولانی برسر مسئله فلسطین تبدیل شد. در بطن این شرایط نامساعد رویداد هفتم اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد.

فاشیسم حاکم بر اسرائیل و دولت نتانیاهوی متکی به حمایت آمریکا به مثابه غنیمت اهدایی حرکت تروریستی هفتم اکتبر حماس- جهاد را قاپیدند. آنها به دنبال فرصتی بودند، تا نقشه های از قبل طراحی شده هیئت حاکمه و ارتش اسرائیل برای پاکسازی قومی و نسل کشی در غزه و علیه مردم فلسطین را اجرا کنند. همراهی بی اما و اگر دولت آمریکا و هم پیمانان ناتوی اش از دولت و ارتش اسرائیل در نسل کشی مردم غزه، تحمیل جنگ و تروریسم چندین ماهه در لبنان و منطقه و علیه حماس و حزب الله و "محور مقاومت اسلامی"، در عین حال گامی تعیین کننده در راستای شکل دادن به نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه نوین" در واقع خاورمیانه خونین برای مردم این منطقه است.

با شکست ائتلاف ارتجاعی "محور مقاومت اسلامی" به وضوح قطب ارتجاعی تروریسم اسرائیل- آمریکا دست بالا پیدا کرده و قصد تکمیل کردن نقشه جنایتکارانه "خاورمیانه جدید" را نهایتاً با به تمکین کشاندن و یا حذف جمهوری اسلامی و نیابتی های هنوز رام نشده اش را در سر دارند. اکنون با سرکارآمدن ترامپ فاشیست دولت و ارتش اسرائیل با دست بازتر و با حمایت گسترده تر و محکمتر برای به سرانجام رساندن نقشه خاورمیانه خونین امپریالیستی حرکت میکنند. تحمیل قدر قدرتی بلامنازع امپریالیسم آمریکا با فعال مایشایی دولت فاشیست اسرائیل و نقش "ژاندارمی" آن در منطقه و به خط شدن حکومتها فاسد منطقه پشت سر سیاستهای آمریکا اجزای "خاورمیانه نوین" امپریالیستی در ضدیت کامل با منافع و اراده اکثریت عظیم مردم است. تهدیدات ترامپ

راسیست برای بیرون راندن نزدیک به دو میلیون مردم از غزه و تصاحب این منطقه توسط دولت آمریکا پرده تکان دهنده و سوپر ارتجاعی دیگر در این راستا است. اکنون صورت مسئله حقوق مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطین در این دوره با موانع بسیار روبرو شده است. نه تنها حاکمیت فلسطینی ها بر غزه بلکه بر کرانه باختری در شکل "خودمختاری محدود" فعلی نیز با مخاطره روبرو است. در کل منطقه خاورمیانه نیز ناامنی و بی ثباتی و طرحهای سناریوی سیاهی و رژیم چنجی را گسترش میدهند. این چشم انداز سیاه و خونین خاورمیانه برای مردم منطقه و تبعات تکان دهنده آن در چهارچوب بربریت کاپیتالیستی دوره معاصر خواهد بود.

اما طرح ارتجاعی خاورمیانه جدید، مورد نظر آمریکا- اسرائیل با تناقضات و موانع جدی روبرو است، همانطور که در چهاردهه گذشته همین موانع نگذاشته طرحهای امپریالیستی به سهولت به سرانجام برسند. پاشنه آشیل نقشه ارتجاعی "خاورمیانه جدید" امپریالیستی در این حقیقت نهفته است تا زمانی که اولاً مسئله فلسطین و مبارزات حق طلبانه این مردم پاسخ کارساز و عادلانه از جمله با تشکیل دولت مستقل فلسطین نگیرد و ثانیاً فقر شدید و استبداد خشن حکومتهاى مرتجع عمده هم پیمان آمریکا و تروریسم دولتی ادامه پیدا کند، این منطقه کماکان بحرانی و طرحهای ارتجاعی به بن بست میرسند. نکته قابل توجه دیگر اینست، شکست و عقب نشینی "محور مقاومت اسلامی" در فلسطین و منطقه نه تنها شکست مردم نیست، بلکه راه باز میکند جنبش حق طلبانه در فلسطین و در کل منطقه با روشن بینی خود را سازمان دهد، به میدان آید و متکی به پلاتفرم آزادیخواهانه و اراده طبقه کارگر و سوسیالیست ها و سکولاریستهای منطقه طرحهای ارتجاعی از جمله طرح خاورمیانه خونین و ضد انسانی آمریکا- اسرائیل را ناکام سازد.

در بطن تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر و بیش از گذشته مسئله کرد برجستگی پیدا کرده است. نزدیک به صد سال است مردم کردستان در چهار بخش تحت ستم شدید و تبعیض دولتهای شوونیست و استبدادی قرار دارند. موقعیت جنبش ملی کرد در کشورهای ایران و سوریه و ترکیه و عراق یکی نیست. استراتژی و سیاستهای متفاوت بر روند تحرک سیاسی در هر یک از بخشهای کردستان ناظر است. در همین رابطه علاوه بر سرکوبگری خشن دولتهای سرکوبگر منطقه، ناظر بودن سیاستهای ارتجاعی و ناکارای ناسیونالیسم کرد و احزاب اصلی آن بر مبارزه حق طلبانه علیه ستم ملی به نوبه خود مانع مهمی در دستیابی این مردم به حقوق اولیه خود بوده است. در تحولات کنونی خاورمیانه بار دیگر احزاب و جریانهای اصلی ناسیونالیسم در صدد همراهی و هماهنگی با "خاورمیانه نوین" میخوانند سرنوشت مردم کردستان و مبارزات حق طلبانه آنها را به همراهی با دولتهای مرتجع در منطقه و نقشه های ضد انسانی آمریکا- اسرائیل گره بزنند. این مسئله بیش از پیش به مبارزه حق طلبانه مردم کردستان برای رفع ستم ملی و همسرنوشتی آنها با امر آزادی در منطقه لطمه میزند. مقابله با چنین روند ارتجاعی وظیفه جنبش رادیکال و سوسیالیستی متکی به راه حل کارساز و آزادیخواهانه برای پایان دادن به ستم ملی و دیگر تبعیضات اجتماعی است. تجربه حضور موثر ما کمونیستها و جنبش سوسیالیستی در جامعه کردستان ایران در دوره بعد از انقلاب ۵۷ تأکیدی بر این واقعیت است. در هر حال مسئله کرد به یک گره گاه سیاسی مهم در زندگی مردم کردستان، در روند تحولات سیاسی در منطقه و در هر یک از بخشهای کردستان تبدیل شده است. این مسئله باید به شیوه ای اصولی و عادلانه پاسخ بگیرد. مراجعه به آرای مستقیم مردم برای تعیین سرنوشت خود و مردود اعلام کردن طرحهای مختلف از بالای سر مردم قدم اول راه حل کارساز مسئله کرد است.

نه سرپناه. سازمان‌های بین‌المللی نسبت به فاجعه‌ای انسانی هشدار می‌دهند، اما رژیم گوشش بدهکار نیست.

این فقط حمله به مهاجران افغانستانی نیست؛ حمله‌ای است به طبقه کارگر، به کرامت انسانی، به ارزش‌های همبستگی جهانی. جمهوری اسلامی، مانند دولت‌های غربی، مهاجران را سپر بحران‌های خود می‌کند، تا بحران اقتصادی، فروپاشی سیاسی و ترس از شورش مردم را پنهان کند. با نشان دادن چهره‌ی کارگر مهاجر به عنوان "مقصر"، می‌کوشد پاسخگویی در برابر مردمی را که گرسنگی کشیده و سرکوب شده‌اند، به تعویق بیندازد.

اما حتی در تاریک‌ترین ساعت‌ها، همبستگی زنده است. در زاهدان، بلوچستان و بسیاری از شهرهای ایران، کارگران و مردم زحمتکش مقاومت می‌کنند. سرپناه می‌دهند، ایستگاه‌های امدادی برپا می‌کنند، در کنار ستمدیدگان می‌ایستند. این چهره‌ی واقعی انسانیت است. این آینده‌ای است که برایش می‌جنگیم.

ما از اتحادیه‌های کارگری، احزاب چپ و سوسیالیست، و همه انسان‌های آزادی‌خواه در سراسر جهان می‌خواهیم که این کارزار غیرانسانی را محکوم کنند و خواهان توقف فوری اخراج مهاجران افغانستانی از ایران شوند. اکنون زمان عمل است. متحد شویم، در برابر فاشیسم بایستیم، و از حقوق و کرامت همه کارگران، فراتر از مرزها، دفاع کنیم.

دفتر بین‌المللی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲-۷-۲۰۲۵

ترجمه از متن انگلیسی بیانیه

بیانیه دفتر بین‌المللی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دیپورت دسته‌جمعی مهاجران افغانستانی از ایران را متوقف کنید!

جمهوری اسلامی ایران کارزار بی‌رحمانه‌ای را برای اخراج دسته‌جمعی مهاجران و پناهجویان افغانستانی به راه انداخته، کارزاری آغشته به نژادپرستی، سرکوب و بی‌رحمی محض. با اتکاء به تمام توان نظامی و اطلاعاتی خود، این رژیم تهاجم فاشیستی گسترده‌ای را آغاز کرده و با ضرب‌الاجل ۱۶ تیر، همه مهاجران فاقد مدرک را به ترک کشور مجبور می‌کند. در فضایی آکنده از لفاظی جنگی و بهانه پوسیده "مقابله با جاسوسان"، آنچه در جریان است چیزی جز پاکسازی قومی تحت حمایت دولت نیست.

طی یک سال گذشته، نزدیک به یک میلیون افغانستانی، کارگر، کودک، خانواده، تحت فشار از ایران رانده شده‌اند. نیمی از آن‌ها تنها در ماه گذشته اخراج شدند. این سیاست نیست، جنایت است. کارگران از محل کارشان ربوده می‌شوند. کودکان از پشت میز کلاس بیرون کشیده می‌شوند. زنان باردار از تخت بیمارستان و کارگران زخمی از کارگاه‌ها بیرون انداخته می‌شوند. با این انسان‌ها نه به عنوان انسان، بلکه چون اشیای بی‌ارزش رفتار می‌شود، بی‌حق، بی‌پناه، بی‌صدا.

در مرزها، کابوس ادامه دارد. مهاجران با ضرب و شتم، اخاذی، مصادره دستمزد و اموال، و شکنجه مواجهند. حتی پس از عبور، با ماشین سرکوب طالبان روبرو می‌شوند. نه غذا هست، نه دارو،

دست رژیم اسلامی و فاشیسم ایرانی از مهاجر افغانستانی کوتاه!

اخراج و تحقیر مهاجرین حمله به کرامت انسان است. حمله به کارگر، به زحمت کش و به نان آور بی صداست. سکوت در برابر این خشنونت، همدستی است.

ما مخالفیم با:

- ✗ اخراج اجباری
- ✗ حذف کودکان از مدرسه
- ✗ تبعیض نژادی
- ✗ نادیده گرفتن انسانها به خاطر محل تولدشان

دفاع از مهاجر، دفاع از خود ماست.
زیرا مرز کرامت نمی‌آورد.
زیرا انسان تابعیت ندارد.
روایت کنیم، افشا کنیم، پیوند بسازیم.
یاری کنیم، به هر طریق ممکن.

#همبستگی_نوعدوستی
#جای_کودک_در_مدرسه_است
#انسان_انسان_است

#نه_به_اخراج
#نه_به_فاشیسم_ایرانی
#تبعیض_بس_است

علیه نفرت قومی و ملی و مذهبی برای آزادی و اختیار انسانها!



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۲ تیر ۱۴۰۴ - ۱۳ جولای ۲۰۲۵

AUFRUF ZU DEMONSTRATIONEN IN KÖLN

LASST UNS GEMEINSAM GEGEN UNGERECHTIGKEIT STEHEN! WIR RUFEN ALLE ENGAGIERTEN MENSCHEN UND PROGRESSIVE INITIATIVEN ZUR TEILNAHME AN DIESER KAMPAGNE AUF.

Gegen den Faschismus und Rassismus des islamischen Regimes im Iran bei der Vertreibung von Asylsuchenden aus Afghanistan.

Samstag, 19.07.2026

14:00-18:00 Uhr

Köln - Dom, Roncalliplatz

Komitee zur Solidarität mit Asylsuchenden aus Afghanistan



مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

اعلام می دارد، ما براین باور هستیم تنها با یک آلترناتیو انقلابی اجتماعی شده و همبستگی طبقه ی کارگر اسرائیل با مردم فلسطین شرایطی برای زندگی مسالمت آمیز و انسانی در آن منطقه فراهم خواهد شد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۱۱ تیر ۱۴۰۴



پیام کنفرانس سوم نیروهای چپ و کمونیست در کردستان در رابطه با تداوم نسل کشی اسرائیل در فلسطین

از آغاز ژوئن ۲۰۲۵، آمارها از عمق فاجعه ای بی سابقه در غزه پرده برمی دارند اگرچه بیش از ۸۴ هزار نفر از اکتبر تا ژانویه ۲۰۲۵ جان باخته اند، رقمی که بر پایه نخستین بررسی های مستقل از مرگومیر در این منطقه ارائه شده است. بر اساس این گزارش، بیش از نیمی از قربانیان را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل می دهند. وزارت بهداشت غزه نیز تا اواسط ژوئن ۲۰۲۵ تعداد ۵۵,۱۰۴ کشته و ۱۲۷,۳۹۴ زخمی را ثبت کرده و تاکید کرده است که هزاران جسد هنوز در زیر آوار یا مناطق غیرقابل دسترس باقی مانده اند. این ارقام نه تنها با ارزیابی های مستقل همخوانی دارند، بلکه عمق فاجعه انسانی و تخریب گسترده ای را که در این منطقه کوچک و به شدت متراکم جریان دارد، آشکار می سازند. در سه ماه گذشته، بیش از ۶۸۴ هزار فلسطینی به اجبار از خانه های خود رانده شده اند و بالغ بر ۸۲ درصد خاک غزه به مناطق نظامی یا تخلیه شده بدل شده است. سیاست نظامی اسرائیل مبتنی بر تخریب ساختاری خانه ها، مزارع و زیرساخت ها، ایجاد «مناطق استریل» و محروم سازی کامل جمعیت فلسطینی از شرایط اولیه زیست انسانی است.

در این میان، حملات مکرر به کمپ های آوارگان و چادرهای امدادی – حتی در مناطق موسوم به «امن» – «به کشتارهای پی درپی غیرنظامیان منجر شده است. محاصره کامل، قطع کمک های بشردوستانه، بهره برداری از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی، و جابه جایی اجباری جمعیت، همگی مصداق آشکار جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت اند. خود مقامات اسرائیلی بارها به صراحت اذعان کرده اند که هدفشان غیرقابل سکونت کردن غزه و واداشتن مردم به ترک سرزمینشان است. این سیاست ها با محکومیت نهادهای بین المللی و برخی دولت های منطقه مواجه شده اند، اما همچنان با شدت ادامه دارند.

همه اینها نشان می دهد، آنچه در غزه جریان دارد، نه یک به اصطلاح جنگ معمول، بلکه تداوم پروژه های استعماری، نژادپرستانه و سرمایه دارانه است که در بطن خود به امپریالیسم جهانی گره خورده است. رژیم اشغالگر اسرائیل از بدو پیدایش، با حمایت قدرت های امپریالیستی – نخست بریتانیا و سپس ایالات متحده – به عنوان بازوی منطقه ای سرمایه داری جهانی در خاورمیانه ایفای نقش کرده است. دولت اسرائیل، در واقع، یک سازوکار سرکوب در خدمت منافع بورژوازی جهانی است، نه یک دولت عادی. به طور قطع می توان گفت که رژیم اشغالگر اسرائیل، برای انحراف افکار عمومی از نسل کشی و جنایتهایی که هم اکنون در فلسطین اشغالی انجام می دهد، تمام تلاشش را به کار می بندد. در این میان سابقه و تاریخ نیروهای ارتجاعی همچون حماس و سیاست های شکست خورده جمهوری اسلامی که چیزی جز ویرانی و خانمانسوزی برای مردم فلسطین نداشت بیش از پیش روشن می گردد.

با تمام جنایتهای فاشیستی رژیم اشغالگر اسرائیل، مردم مترقی جهان سکوت نکرده اند. در هفته های گذشته شاهد اعتراضات صدها هزار نفری نه تنها در شهرهای مختلف اروپای غربی و مرکزی بلکه در بریتانیا، استرالیا، ژاپن ترکیه و مراکش و.. بوده ایم و این اعتراضات کمکان هم ادامه دارد، از دیگر سو، بسیاری از دولتهایی که داعیه ی حقوق بشر دارند در برابر جنایتهای جنگی و نسل کشی لب فرو بسته اند. کنفرانس سوم نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ضمن محکوم کردن نسل کشی و جنایات جنگی خواهان توقف فوری و کامل انسان کشی در فلسطین می باشد و بار دیگر همبستگی خود را با مردم فلسطین

پیام حزب کمونیست کارگری – حکمتیست به مناسبت درگذشت رفیق حسن مارف



با تأسف فراوان خبر درگذشت نابهنگام رفیق حسن مارف، فعال خستگی ناپذیر جنبش کمونیسم کارگری و کادر حزب کمونیست کارگری کردستان را دریافت کردیم.

رفیق حسن از اواسط دهه هشتاد میلادی به جنبش کمونیستی کردستان عراق پیوست. به عنوان فعال کمونیست در سخت ترین شرایط دوره مبارزه زیر فشار سرکوب شدید و استبداد خشن رژیم فاشیست بعث برای تحقق اهداف

والای آزادی و برابری و رفاه انسانها تلاش کرد. یکی از فعالین جنبش شورایی ماه مارس ۱۹۹۱ کردستان عراق بود. در سالهای بعد و تا لحظه درگذشت از کادرهای فعال حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان بود.

حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست در اندوه و ناراحتی خانواده و بستگان رفیق حسن مارف و رفقای حزب کمونیست کارگری کردستان خود را شریک میداند و این ضایعه بزرگ را تسلیت میگوید.

گرامی باد یاد همیشه زنده رفیق حسن مارف

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

۱۳ ی جولای ۲۰۲۵

اطلاعیه مشترک "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" و "سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان"

سرکوب مهاجران افغانستانی، سرکوب کارگران ایران است!

دستگیری و اخراج صدها هزار مهاجر افغانستانی توسط نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی که به وحشیانه‌ترین شکل در جریان است، نشان از وحشیگری و کینه‌ی طبقاتی این رژیم، نه فقط از طبقه کارگر ایران، بلکه به‌طور کلی از همه کارگران در هر موقعیت و با هر ملیتی است.

حکومت سرمایه‌داری اسلامی ایران با اخراج گسترده مهاجران افغانستانی چند هدف را دنبال می‌کند. اول اینکه بدین شکل فضای امنیتی پس از جنگ را در ایران و در کنار دستگیری فعالین سیاسی و کارگری دامن می‌زند. دوم در توجیه ضعف اطلاعاتی خود در مقابل اسرائیل تلاش دارد به دروغ نشان دهد که افغانستانی‌ها اطلاعات افراد و مراکز حکومت را به اسرائیل می‌دادند و اکنون حکومت با اخراج مهاجران این ضعف را از بین می‌برد و امنیت مهره‌های خود را افزایش می‌دهد. در صورتی که درز اطلاعات عوامل و مراکز حکومتی در سطح بالایی اتفاق افتاده است و سوم اینکه رژیم با این اقدام تلاش دارد تا به دروغ نشان دهد که با بیکاری ناشی از بحران اقتصادی در حال مبارزه است و بدین شکل آن را تخفیف خواهد داد. در صورتی که این ساختار سرمایه‌داری و فاسد حکومت است که باعث بیکاری وسیع و دیگر مشکلات اقتصادی است.

رژیم جمهوری اسلامی در طی بیش از چهار دهه، از مهاجران افغانستانی به شدت سوءاستفاده کرده است. آن‌ها برای سرمایه‌داران نیروی کار ارزان و کمتر معترض بودند. کارگران افغانستانی بخش زیادی از صنایع و پروژه‌های عمرانی در ایران را ساختند اما از بیمه، مسکن مناسب و امکانات دیگر کارگران در محیط کار و... بی‌بهره بودند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از نیروی کار ارزان کارگران مهاجر ثروت اندوزی کرد، بلکه از سوی دیگر به افکار فاسد نژادپرستانه و افغان ستیزی نیز دامن می‌زد تا مبدا کارگران و مردم ایران با مهاجران متحد شوند. گرایش‌های ناسیونالیستی و پان ایرانیستی نیز در کنار جمهوری اسلامی به ستیز و ستم علیه مهاجران افغانستان مشغول بودند و در این راه در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

اکنون و در این مقطع با اخراج مهاجران افغانستانی، جمهوری اسلامی عملاً آن‌ها را به جهنم تحت حاکمیت طالبان می‌فرستد. هر چند مهاجران افغان در ایران نیز به شدت تحت ستم بودند، اما بخشی از کودکان آن‌ها می‌توانستند تحصیل کنند و عموماً مردان کاری داشتند و بادرآمد بخور و نمیر زندگی شانرا می‌گذراندند. اما در افغانستان گرفتار در فقر و فلاکت اقتصادی، زیر سلطه‌ی امارت اسلامی طالبان، زنان از حق کار و تحصیل محروم شده‌اند و بیش از بیست میلیون نفر بیکار هستند و عملاً کاری برای آن‌ها وجود ندارد و کودکان دختر نمی‌توانند تحصیل کنند و فاجعه‌ی هولناکی در انتظار آن‌ها است.

در جریان این کوچ اجباری و غیرانسانی ستم‌های مضاعفی بر آن‌ها تحمیل شده است و کارفرمایان سودجو و استفاده‌گر و برخی دیگر مطالبات و حق کارگران افغانستانی را نمی‌دهند. لذا ضروری است تا حد ممکن نهادها و مردم به آن‌ها کمک کنند تا حق و حقوق خود را از کارفرماها و رهن خود را از صاحبخانه‌های آزمند بگیرند.

اکنون وظیفه‌ی همه‌ی ما کارگران و مردم شریف و آزادیخواه است که نسبت به این سرکوب و توحش جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغانستانی، اعتراض کنیم. آن‌ها سال‌های مدیدی در ایران کار و زندگی کرده و بخشی از طبقه کارگر ایران به‌شمار می‌روند و کودکان شان در ایران بزرگ شده‌اند. آن‌ها نه تنها حق دارند به‌عنوان مهاجر در ایران باشند، بلکه لایق حق شهروندی ایرانی و حق و حقوق کاملاً برابر با دیگر مردم هستند.

دولت‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی و طالبان دشمن کارگران هستند و از هر موقعیتی برای استثمار و بهره‌کشی و سوء استفاده از آن‌ها دریغ نمی‌کنند. مهاجران افغانستانی که به افغانستان باز می‌گردند با مطالبات بسیاری در مقابل حکومت ارتجاعی طالبان صف‌آرایی خواهند کرد و می‌توانند مبارزه خود را در شرایط جدید پیش ببرند و سازماندهی کنند.

در این شرایط وظیفه فعالان رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی در برابر سیاست‌های ضدانسانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی، دفاع قاطع از حقوق مهاجران و مقابله با سیاست‌های فریبکارانه و سرکوبگرانه حکومت اسلامی است. ما سوسیالیست‌ها، فعالین کارگری و مردم آزادیخواه، در کنار مهاجران افغانستانی هستیم و هرگونه ستم ملیتی و نژادی و بازگرداندن اجباری آن‌ها را محکوم می‌کنیم. این نه تنها وظیفه انترناسیونالیستی ما است که از آن‌ها حمایت کنیم، بلکه آن‌ها را بخشی از طبقه کارگر و مردم ایران نیز می‌دانیم.

جمعه 20 تیر/سرطان ۱۴۰۴ برابر با 11 ژوئیه ۲۰۲۵

امضاها: سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

است. معوقات مزدی و بیمه‌ای از جمله معضلات کارگران کارخانه آب معدنی داماش است. در دو روز اخیر، کارگران آب معدنی داماش در اعتراض به وضعیت موجود و عدم پرداخت مطالبات مزدی، به اعتراض خود ادامه دادند.

حقوق معوق و اخراج کارگران در شرکت قطعه‌سازی «دانا بسپار» ملارد

به گزارش منابع کارگری، تعدادی از کارگران شاغل در شرکت «دانا بسپار» - «تولیدکننده قطعات خودرو و پلیمری در شهرستان ملارد» - به دلیل اعتراض به معوقات مزدی، از کار بیکار شده‌اند. یکی از کارگران اخراج‌شده در این باره می‌گوید: «پس از آن‌که برخی از همکاران نسبت به پرداخت‌نشدن حقوق اعتراض کردند، مدیریت اقدام به تعدیل تعدادی از نیروها کرد. سایر کارگران نیز احساس امنیت شغلی ندارند و نگران آینده کاری خود هستند. بر اساس اطلاعات دریافتی، معوقات مزدی کارگران این شرکت از فروردین‌ماه سال جاری تاکنون پرداخت نشده است. تنها در تیرماه، مبلغی جزئی به‌صورت علی‌الحساب به آنان پرداخت شده است.

در رابطه با معوقات چندماهه پرستاران یاسوج

پرستاران یاسوج از به عدم واریز معوقات مزدی خود اعتراض کردند؛ معوقاتی که به گفته آن‌ها برای برخی وارد هفتمین ماه خود شده است. این پرستاران می‌گویند: رایزنی‌ها با دانشگاه علوم پزشکی یاسوج و همچنین مطالبه‌گری‌ها به نتیجه نرسیده است؛ انتظار داریم وزارت بهداشت به میدان بیاید و فکری به حال پرستاران کند.

به گفته این پرستاران، معوقات مزدی پرستاران، بخش‌های مختلف از جمله کارانه، اضافه‌کار و حق شیفت را دربرمی‌گیرد و در روزهای گذشته این پرستاران با حضور مقابل دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، خواستار پاسخگویی شدند.

اولتیماتوم ۷۰ پزشک روستایی به دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر در پی ۵ ماه عدم پرداخت مطالبات

بنا بر گزارش شبکه‌های محلی سیستان و بلوچستان، بیش از ۷۰ نفر از ۸۰ پزشک شاغل در طرح پزشک خانواده و بیمه روستایی در دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، در نامه‌ای رسمی خطاب به رئیس این دانشگاه، نسبت به تداوم وضعیت نامطلوب معیشتی، تأخیر پنج‌ماهه در پرداخت مطالبات و بی‌توجهی مسئولان هشدار داده و اعلام کرده‌اند که در صورت عدم رسیدگی فوری، ناچار به انصراف دسته‌جمعی از همکاری با این دانشگاه خواهند شد.

پزشکان امضاکننده این نامه که طی سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ در مناطق محروم و دورافتاده استان به ارائه خدمات بهداشتی درمانی مشغول بوده‌اند، از عدم پرداخت حقوق پایه، کارانه، پاداش عملکرد، حق عضویت نظام پزشکی و سایر مزایای قانونی از ابتدای سال جاری تاکنون خبر داده‌اند.

در این نامه آمده است: «علیرغم گذشت بیش از چهار ماه از آغاز سال، هیچ‌یک از پرداختی‌های قانونی انجام نشده و مسئولان دانشگاه نیز در پاسخ به پیگیری‌های مکرر، فقط وعده‌های بی‌عمل ارائه می‌کنند.»

پزشکان معترض اعلام کرده‌اند که در روستاهای فاقد امکانات اولیه مشغول به خدمت‌اند و برخی از آن‌ها ناچار به اسکان در

صفحه ۱۳

اعتراض کارگران کارخانه «فولاد سیادن ابهر» به عدم دریافت حقوق و مزایا

کارگران کارخانه فولاد سیادن ابهر حقوق ماههای اردیبهشت و خرداد و اضافه کاریهای خود را دریافت نکرده‌اند و به رغم اعتراضاتشان، کارفرما همچنان به خواست آنان بی تفاوت است.

بنابه گزارشات منتشر شده، به نقل از یکی از کارگران این کارخانه، چندین سال است کارگران این کارخانه از مسئولان شرکت پیگیر پرداخت به موقع حقوق و مزایای خود هستند و هر بار پیگیری مسئولان فقط وعده می‌دهد. به گفته وی؛ دستمزد و مزایای کارگران این واحد در مقایسه با دیگر کارگران شرکتهای تولیدی منطقه که کار مشابه انجام می‌دهند، متفاوت است اما مدیران شرکت توجهی به مطالبات آن‌ها نمی‌کنن. طبق اظهارات وی مسئولان کارخانه می‌گویند منابع مالی کافی برای پرداخت حقوق ندارند.

او گفت: جدا از تاخیر در پرداخت حقوق، مشکل نداشتن فیش حقوقی، محاسبه نشدن حق بیمه مزایای اضافه کاری‌ها و تعطیل کاری‌ها و همچنین وضعیت نامناسب بهداشت در حمام، دستشویی و رختکن در این واحد تولیدی همچنان برقرار است.

مطالبات مزدی کارگران آب و فاضلاب هفتگل/ شرایط معیشتی‌مان خوب نیست

کارگران شاغل در بخش‌های مختلف اداره آب و فاضلاب هفتگل در استان خوزستان، دستکم دو ماه دستمزد و مزایای مزدی از کارفرمای خود طلبکارند. این کارگران که مدعی هستند پرداخت مطالباتشان از دوماه پیش به تاخیر افتاده، در ادامه گفتند: عدم پرداخت دستمزد کارگران در حالیست که اخیراً آبای هفتگل زیر مجموعه آبای شهرستان مسجد سلیمان قرار گرفته است و در نتیجه کارگران و حتی اهالی با مشکلاتی مواجه شده‌اند.

وضعیت بد معیشتی کارگران آب معدنی داماش به دلیل عدم پرداخت مطالبات مزدی

گروهی از کارگران «آب معدنی داماش» از دادستان شهرستان رودبار برای رفع مشکلات این کارخانه و پرداخت حقوق و بیمه معوقه، درخواست کمک کردن. یکی از کارگران در همین رابطه گفت: چند سالی است «آب معدنی داماش» که تحت مسئولیت بخش خصوصی در ارتفاعات شهرستان رودبار فعالیت تولیدی دارد، دچار مشکلات اساسی شده به نحوی که علیرغم تولیدات فراوان، مطالبات مزدی کارگران در سال جاری ۲ تا ۳ ماه به تاخیر افتاده است با این حال هیچ ارگان دولتی تاکنون به ما کمک نکرده است.

حدود ۳۴ کارگر شاغل در کارخانه آب معدنی داماش خواستار برطرف شدن مشکلات خود هستند. آن‌ها به دلیل پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود در وضعیت بد معیشتی قرار دارند. مهمترین مشکل کارخانه آب معدنی داماش، عدم آشنایی خریدار و سوءمدیریت

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای

اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

محل خوابگاه سابق دانشجویان دانشگاه ایرانشهر شده‌اند؛ محلی که فاقد کولر، تجهیزات آشپزخانه، سرویس بهداشتی مناسب و حتی فشار آب کافی است.

پزشکان فهرستی از مطالبات خود را به شرح زیر اعلام کرده‌اند: «حقوق عضویت نظام پزشکی از فروردین ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۴، حق الزحمه فعالیت در مراکز بهداشتی از ابتدای ۱۴۰۴

تاکنون، پاداش عملکرد از تیر ۱۴۰۳ تاکنون، کارانه ۸۰ درصد پزشکان از ابتدای سال ۱۴۰۴، حقوق پایه پزشکان در سال جاری»

در بخشی از نامه آمده است: «برخی از همکاران ما در همین مدت به ناچار از دانشگاه انصراف داده و به دانشگاه‌های دیگر رفته‌اند. اگر تا پایان تیرماه اقدامی صورت نگیرد، ما نیز راهی جز خروج و انصراف دسته‌جمعی نخواهیم داشت».

اعتراض و تجمع زنان روستای حاجی‌آباد گناباد مقابل اداره آب و فاضلاب، به قطع آب شرب

جمعی از زنان روستای حاجی‌آباد گناباد روز ۲۵ تیر، با حضور در اداره آب و فاضلاب این شهرستان، نسبت به قطع مکرر و طولانی آب شرب در روستای خود، دست به اعتراض زدند.

یکی از معترضان گفته است که "آب شرب نیست، اطلاع‌رسانی نیست، پاسخگویی هم نیست. ما چطور باید در این گرما با بچه‌ها و خانواده‌هایمان زندگی کنیم"

محل کار همچنان قتلگاه کارگران است!

جانباختن کارگر معدن زغال‌سنگ در شهرستان زرنند

هادی مختاری رئیس اداره کار شهرستان زرنند: این کارگر عصر روز (۲۲ تیر) در حین کار در معدن دچار حادثه شده است. وی افزود: مصدوم توسط نیروهای اورژانس از محل حادثه خارج و به بیمارستان منتقل شد، اما متأسفانه جان خود را از دست داد.

مختاری گفته: علت وقوع حادثه با اعزام بازرس اداره کار در حال بررسی است که پس از بررسی‌ها، نتیجه نهایی به مراجع ذیربط اعلام خواهد شد.

مرگ کارگر چاه‌کن در دامغان بر اثر سقوط

حادثه سقوط از ارتفاع چاه، به مرگ یک کارگر در روستای «مومن‌آباد» از توابع بخش مرکزی دامغان در استان سمنان منجر شد. با حضور گروه‌های امداد و نجات، پیکر بی‌جان این کارگر مقنی به بیرون از چاه انتقال یافت و مرگ وی از سوی عوامل اورژانس حاضر در محل تایید شد.

مرگ یک کارگر بر اثر سقوط لیفتراک در محمودآباد اصفهان

بعدازظهر روز (یکشنبه ۲۲ تیر ماه) یک کارگر حین کار در یک کارخانه سنگ بری واقع در منطقه محمود آباد اصفهان به وسیله سقوط ناگهانی لیفتراک روی سرش جان باخت.

قاتل اصلی کارگر جوان ۱۸ ساله طاهای رضایی، رژیم فاشیست اسلامی و نژادپرستی است!

جسد طاهای رضایی با دستان بسته از خاک دماوند بیرون آمد

جسد طاهای رضایی، جوان ۱۸ ساله تبعه افغانستان، پس از چند روز بی‌خبری، در باغی واقع در همدان مرانک منطقه آبسرد دماوند کشف شد. به گزارش آوش، این جوان صبح روز چهارشنبه، ۱۱ تیرماه برای کار با بیل مکانیکی از خانه خارج شد و تماس آخرش با مادر، کوتاه و پر از نگرانی بود؛ ساعتی بعد تلفنش خاموش و او ناپدید شد. سرانجام یک شب بعد پلیس با حضور در محل، جسد طاهای که در باغی دفن شده بود را کشف کرد. براساس گزارش‌ها و گفته‌های مشاهدان عینی، دست‌های مقتول را بسته و سرش را از بدنش جدا کردند؛ بخشی از جسد نیز از زیر خاک بیرون مانده بود.

کامران ساختمانگر به حبس و جزای نقدی محکوم شد

کامران ساختمانگر، فعال کارگری اهل سنندج توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب این شهرستان به سه ماه حبس تعزیری و پرداخت ۳۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد. دادگاه این رای را روز سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۴، بابت اتهام انتسابی فعالیت تبلیغی علیه نظام، به کامران ساختمانگر ابلاغ کرده است.

۲۶۰ نفر از فعالان صنفی و فعالین اجتماعی با انتشار بیانیه ای خواهان تبرئه یونس آزادپر شدند

در بخشی از این بیانیه آمده است: همانطور که شاهد هستیم، دولت سرمایه‌داران پس از جنگ دوازده‌روزه، علاوه بر تحمیل موج جدیدی از گرانی‌ها که معیشت کارگران و بازنشستگان و سایر اقشار حقوق‌بگیر و آسیب‌پذیر و کم‌درآمد را با مشکل جدی مواجه ساخته، با استفاده از فرصت، فضای جامعه را بیش از پیش امنیتی نموده و با احضار فعالین صنفی و مدنی و اعمال فشارهای امنیتی، تلاش دارد موج عظیم نارضایتی را سرکوب کند.

در بیست و پنجمین روز بازداشت و بی‌خبری از حسین میربهراری از فعالان متعهد، دلسوز و پرتلاش کودکان کار، خواهرش مریم میربهراری نوشت:

در ۲۵ امین روز بازداشت برادرم همچنان از دلیل بازداشت و محل نگهداریش بی‌خبریم. تنها پاسخی که از دادرای بومهن گرفتیم همینقدر عجیب بود: "باید ببینیم چی از باز جوئی اش در میاد" (این یعنی ما از فعالین هر حوزه بازداشت میکنیم تا ببینیم با چه انگلی میتوانیم متوقف شان کنیم. این یعنی نقض حقوق قانونی و انسانی هر فردی که مطالبه گر است. چرا تلاش میکنید فعالیت شفاف در حوزه کودک را به امری مجرمانه بدل کنید؟ برادرم کجاست؟

۵۵ زندانی سیاسی زیر تیغ اعدام هستند!

امروز ده‌ها زندانی سیاسی و عقیدتی محکوم به اعدام و

اخبار مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: حیات الماسی و اوین رضایی

هزاران زندانی سیاسی محبوس هستند. بسیاری از آنها پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، به زندانهای دیگر منتقل شده و در شرایط وخیم نگهداری می‌شوند. وضعیت و سلامت بسیاری از زندانیان بازداشتگاه‌های امنیتی پس از حمله به اوین نامعلوم است.

همزمان، روزانه ده‌ها زندانی با جرائم عمومی به‌صورت دسته‌جمعی به سلول‌های انفرادی منتقل و اعدام می‌شوند. جان زندانیان سیاسی، عقیدتی و زندانیان جرائم غیرسیاسی بیش از هر زمان در خطر است.

در ماه‌های اخیر، شماری از زندانیانی که سال‌ها هیچ خبری از آنها در دست نبود، اعدام شده‌اند. این نشان می‌دهد افراد زیادی به اعدام محکوم شده‌اند، بی‌آنکه نام یا سرنوشتشان را بدانیم. در این میان، زندانیان و خانواده‌هایشان نیز تحت فشار و تهدید قرار گرفته‌اند تا سکوت کنند.

در چنین شرایطی، سکوت یا بی‌تفاوتی، می‌تواند به جمهوری اسلامی جسارت بیشتری برای تکرار سرکوب‌ها و اعدام‌های دهه ۶۰ بدهد. اکنون بیش از هر زمان لازم است فعالان، نهادهای حقوق بشری و رسانه‌ها، صدای زندانیان و خانواده‌هایشان باشند.

پیام مریم حسینی، برای نجات جان پدرش

دختر مهدی حسینی (مریم حسینی)، زندانی سیاسی محکوم به اعدام: اعاده دادرسی پدرم برای چهارمین بار رد شد. حالا دیگه واقعاً جونش در خطره. هیچ راهی نمونده جز کمک مردم. این روزا برای ما حیاتی است. لطفا ساکت نمونید. لطفا صدای ما باشید.

بازداشت فواد محمودی، شهروند اهل توریور سنج توسط نیروهای امنیتی

فواد محمودی، شهروند ۲۸ ساله اهل روستای توریور از توابع سنج، روز دوشنبه ۲۳ تیرماه ۱۴۰۴، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

انتقال ناگهانی سعید ماسوری به مکان نامعلوم؛ تحصن

زندانیان سیاسی در قزل‌حصار در اعتراض به این اقدام

سعید ماسوری، زندانی سیاسی، امروز چهارشنبه ۲۵ تیرماه، بدون اطلاع خانواده و وکلایش، از زندان قزل‌حصار کرج خارج و به مکان نامعلومی منتقل شده است. این انتقال ناگهانی باعث نگرانی‌های جدی در میان خانواده و فعالان حقوق بشر شده است.

در واکنش به این اقدام، شماری از زندانیان سیاسی در بندهای مختلف زندان قزل‌حصار دست به تحصن اعتراضی زده‌اند. گزارش‌ها حاکی است که آن‌ها با شعارهایی علیه سرکوب و فشارهای امنیتی، خواستار بازگشت فوری سعید ماسوری و پایان اقدامات غیرقانونی علیه زندانیان سیاسی شده‌اند.

پیام تسلیت حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به رفیق رخشنده بلوری و فرزندانش

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که آقای جعفر عظیمی همسر گرامی رفیق رخشنده بلوری و پدر رفیق جانباخته ادريس عظیمی روز ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵ بعد از مدتی بیماری درگذشت.

آقای جعفر عظیمی از شخصیت‌های سرشناس شهر مهاباد، انسانی فداکار و متواضع بود که در طول زندگی خود تلاش نمود که خانواده و فرزندانشان را با فداکاری و همراهی در مبارزات انقلابی حمایت کند. همسر او رفیق رخشنده بلوری از فعالین تشکیلات مخفی کومه له و مورد احترام مردم مهاباد بود که بعداً به اجبار به بخش علنی پیوست و در صفوف پیشمرگان کومه له مبارزه را ادامه داد. در چنین شرایطی این جعفر عظیمی همسر او بود که مسئولیت فرزندانش و سرپرستی آنها را به تنهایی به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۵ فرزند دلیند و جوانش ادريس عظیمی را درنبرد با جمهوری اسلامی از دست داد و علیرغم این ضایعه بزرگ مقاومت نمود و لحظه‌ای از سرپرستی فرزندانش غافل نشد.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست درگذشت آقای جعفر عظیمی را به رفیق رخشنده بلوری و فرزند عزیزش، خانواده‌ی عظیمی، بلوری و مردم مهاباد تسلیت می‌گوییم و خود را در غم آنها شریک می‌دانیم.

یاد جعفر عظیمی گرامی باد

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۳ ژوئیه ۲۰۲۵



partow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه‌ای برای یک دنیای بهتر

برنامه‌های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۷۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

صفحه آخر

اعلامیه دفتر بین‌المللی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در حمایت از اعتراضات سازمان بیکاران شهر ناپل در ایتالیا

دوستان و رفقای ما در ناپل به‌طور قهرمانانه‌ای در نبرد روزانه علیه دولت سرمایه داری ایتالیا حضور پرشور دارند. فعالیت‌های آن‌ها بارها با ضرب و شتم، سرکوب و آزار و اذیت از سوی پلیس ایتالیا مواجه بوده است. در آخرین مورد اعتراض کارگران بیکار به سیاست دولت در طرح بیکاری وسیع، پلیس به تجمعات آنها در ماه ژوئن حمله کرد و ضمن مجروح کردن تعدادی از کارگران دو تن از فعالین برجسته این تشکل را دستگیر و پس از ۴۸ ساعت آزاد کردند. اما ماجرا به اینجا خاتمه نیافت و قرار است این دو رفیق کارگر را در ماه اکتبر به دادگاه بکشاند تا با جرایم سنگین آنها را متهم به اخلاگری کنند. بلافاصله بعد از این خبر موج وسیعی از همبستگی با کارگران بیکار و محکومیت پلیس و رفتار خشونت آمیز آنها در سراسر جهان برافزاد و سازمان‌ها و اتحادیه‌ها در سراسر ایتالیا و خارج از مرزها به رفتار پلیس و سیاست ریاکارانه دولت ایتالیا برافزاد. این همبستگی وسیع بار دیگر ثابت کرد که اتحاد درون جنبش کمونیسم کارگری و تشکلهای کارگری امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت بسزا دارد.

دولت ایتالیا به عقب‌نشینی موقت اکتفا نکرده و در صدد انتقام‌گیری از کارگران بیکار است. رفقای ما اکنون باید خود را برای دادگاه آماده کنند. این جرم‌انگاری آشکار مبارزه طبقاتی باید با مقاومت قاطع و اتحاد جمعی پاسخ بگیرد. باز هم، تنها از طریق مبارزه جمعی است که دولت و دستگاه قضایی‌اش را وادار به عقب‌نشینی کرد.

ما قاطعانه اعلام می‌کنیم که رفقای ما مسئول پرداخت هیچ‌گونه جریمه یا مجازات قانونی نیستند و نخواهند بود. آن‌ها هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند، تنها اقدام عادلانه‌ای که از طرف کارگران بیکار صورت گرفته اعتراض به فقر، بیکاری و سرکوب سرمایه‌داری است.

ما در دفتر بین‌المللی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، حمایت کامل و همه جانبه خود را از اعتراضات و مبارزات اتحادیه کارگران بیکار در شهر ناپل اعلام می‌کنیم و خواهان لغو فوری تمامی مجازات‌ها، جریمه‌ها و تحریم‌های قانونی علیه رفقایمان هستیم.

پیروزی از آن ماست!

زنده باد اتحاد سوسیالیستی!

زنده باد اتحاد کارگری!

ترجمه از متن انگلیسی



منصور حکمت را بخوانید
و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

رحمان حسین زاده

Hosiansade.r@gmail.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

سیاوش دانشور

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

UK

هینت تحریریه نشریه کمونیست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی، سعید یگانه

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر رحمان حسین زاده

Hosienzade.r@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!